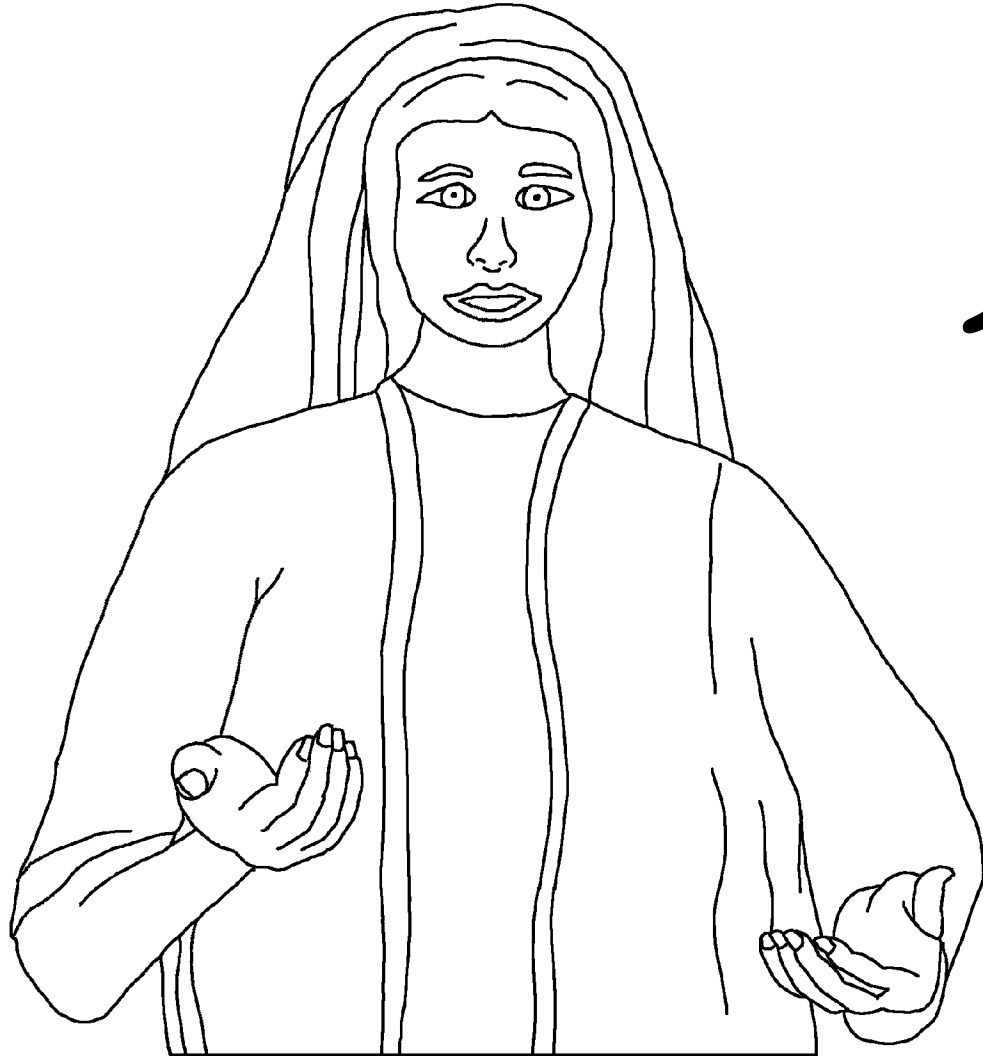


کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می کند



زن در کنار
چاه



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Lazarus

Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

ترجمه شده توسط: آرمین باقری

ناشر: Bible for Children

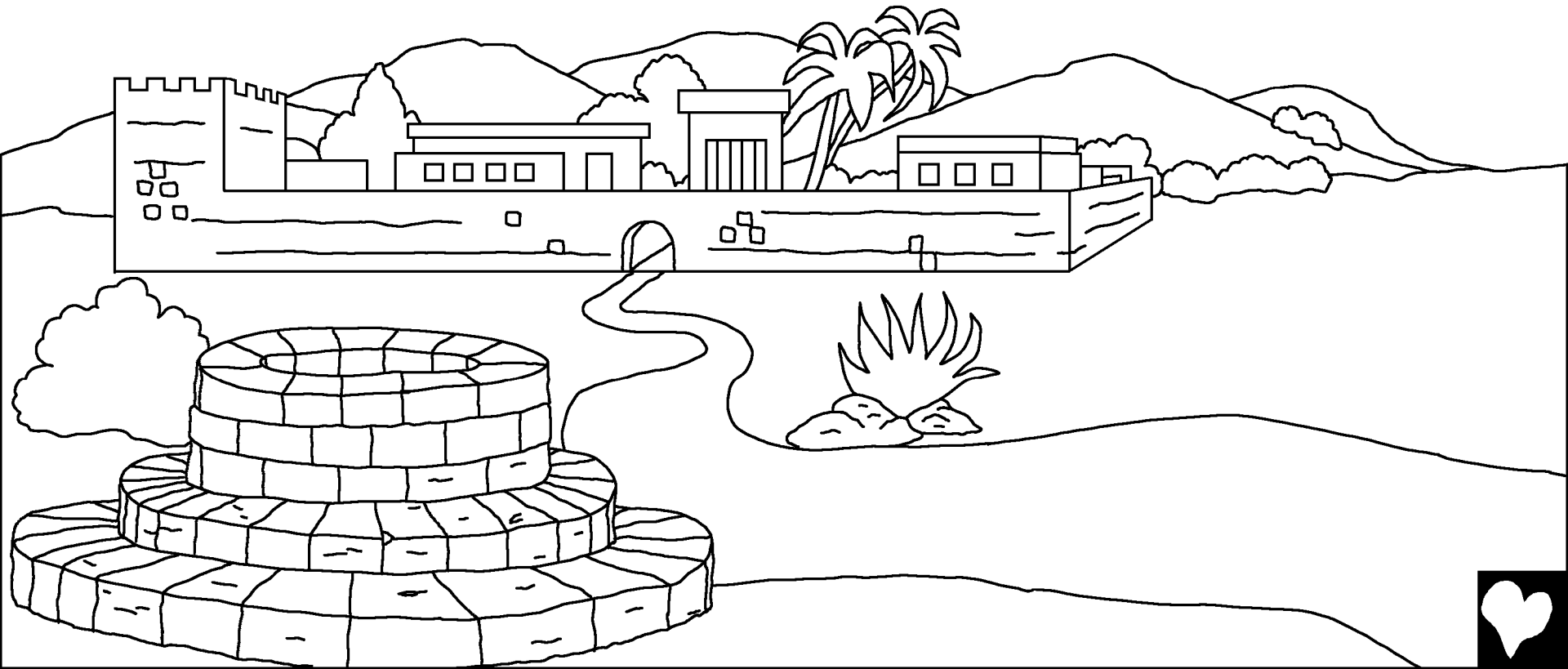
www.M1914.org

©2021 Bible for Children, Inc.

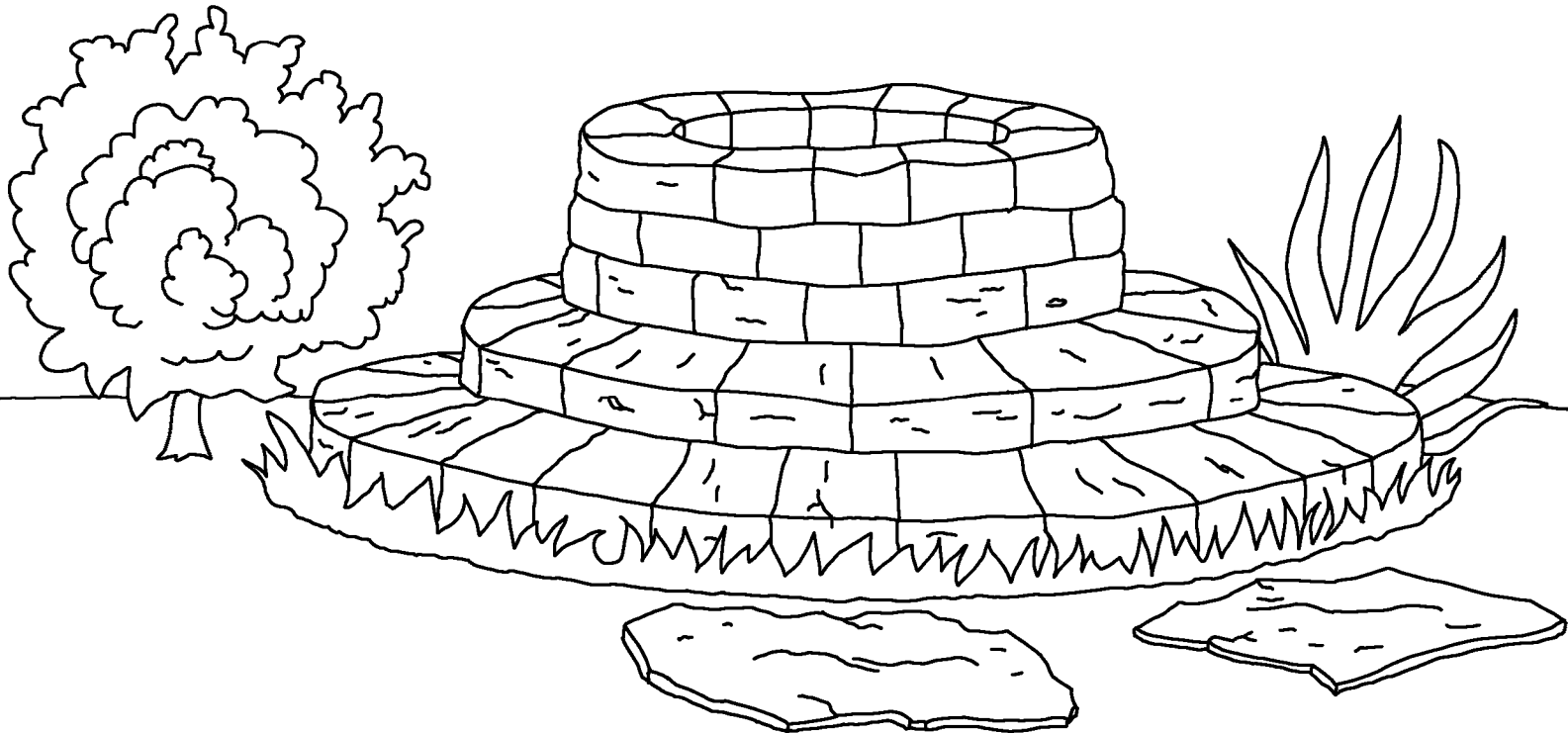
حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



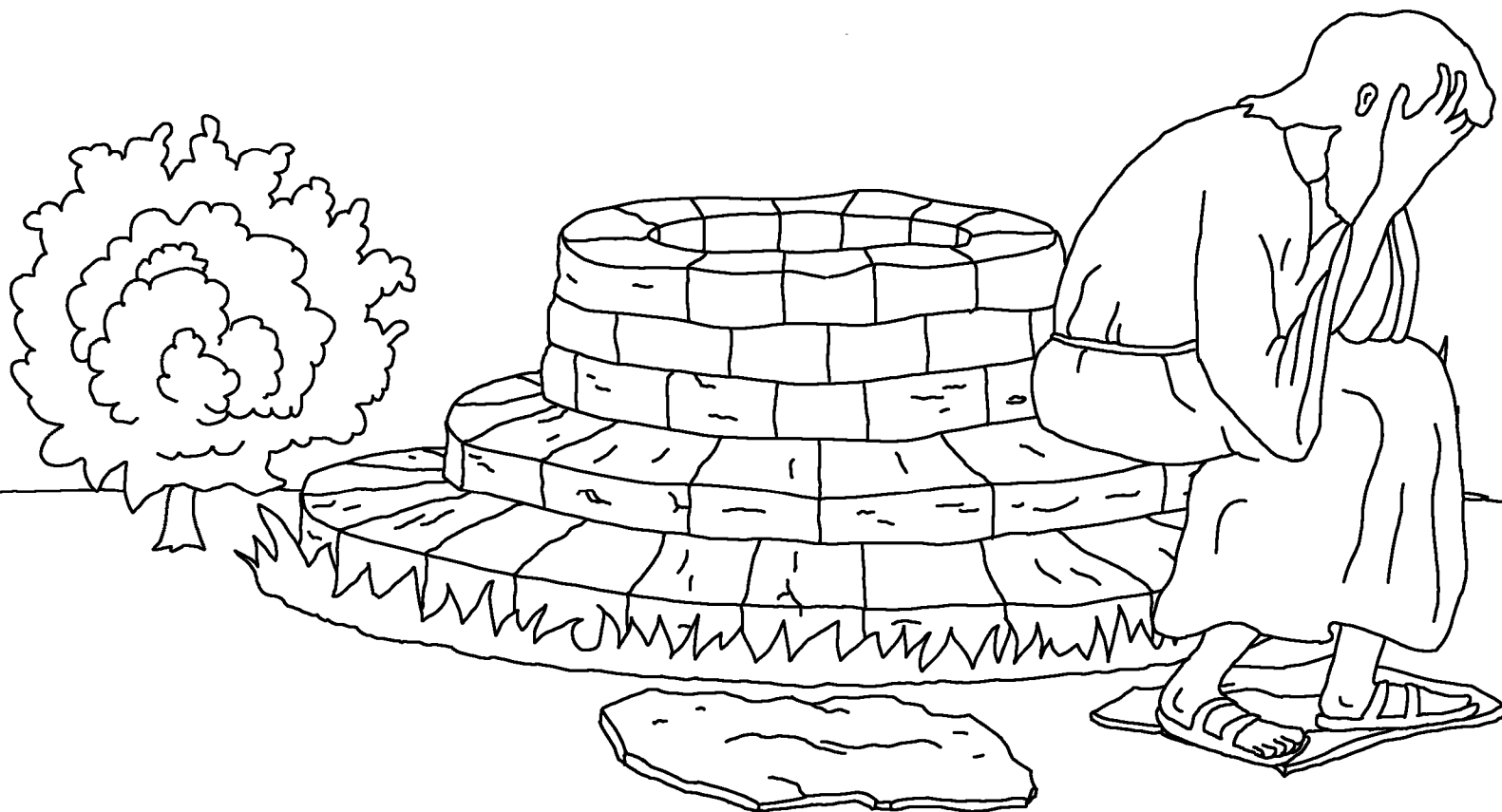
عیسی و یارانش در حال گذر از سرزمین سامره بودند.
آنها به شهری به نام سوخار رسیدند.



در آنجا چاهی وجود داشت که مردم سوخار آب
آشامیدنی خود را از آن برمی داشتند. یعقوب،
جد بنی اسرائیل، مدتها پیش آن چاه را کنده بود.

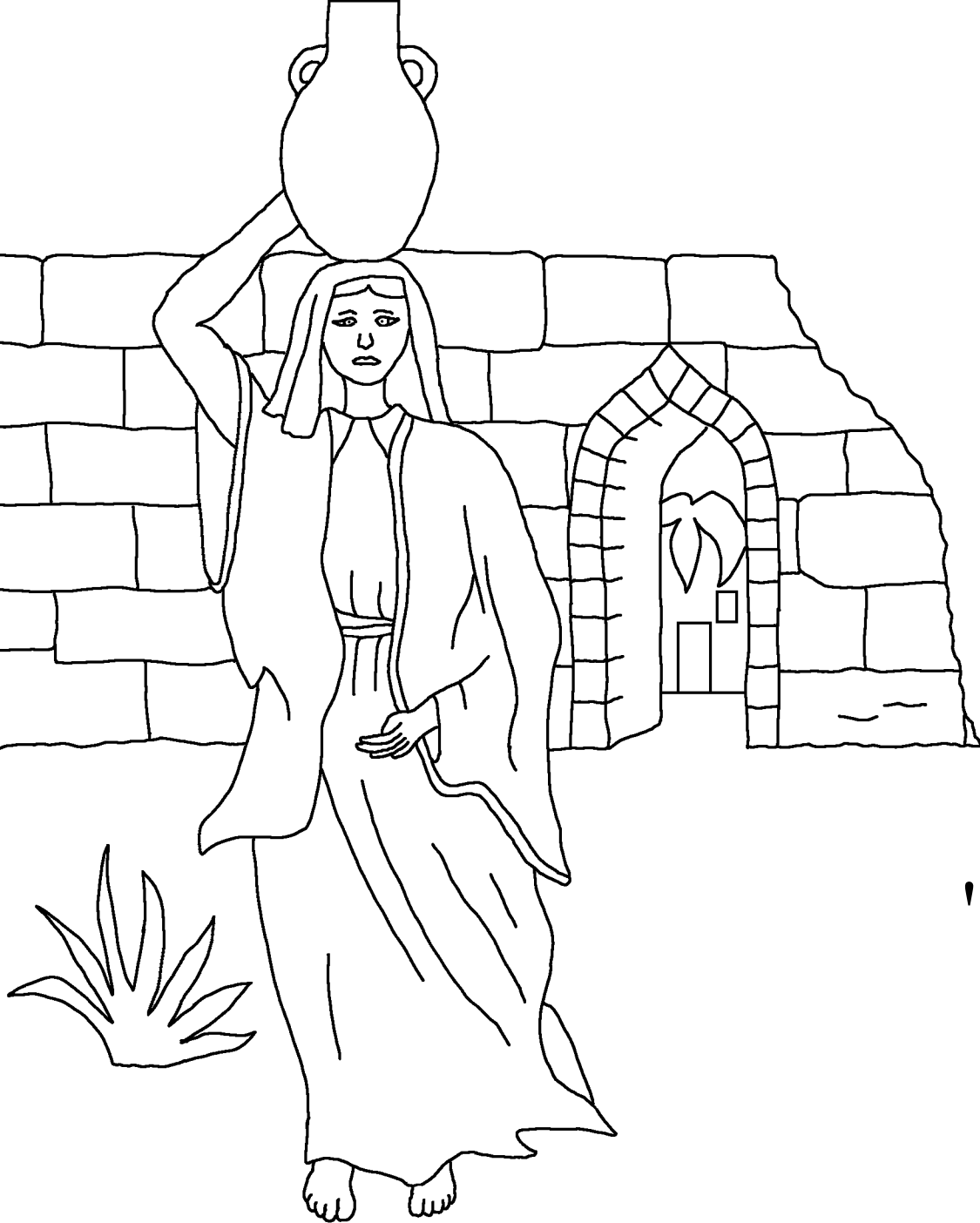


شاگردان برای خرید غذا به شهر رفته بودند و عیسی که
از سفر خسته شده بود، در کنار چاه نشست. ظهر شده بود
و هوا هم خیلی گرم بود.

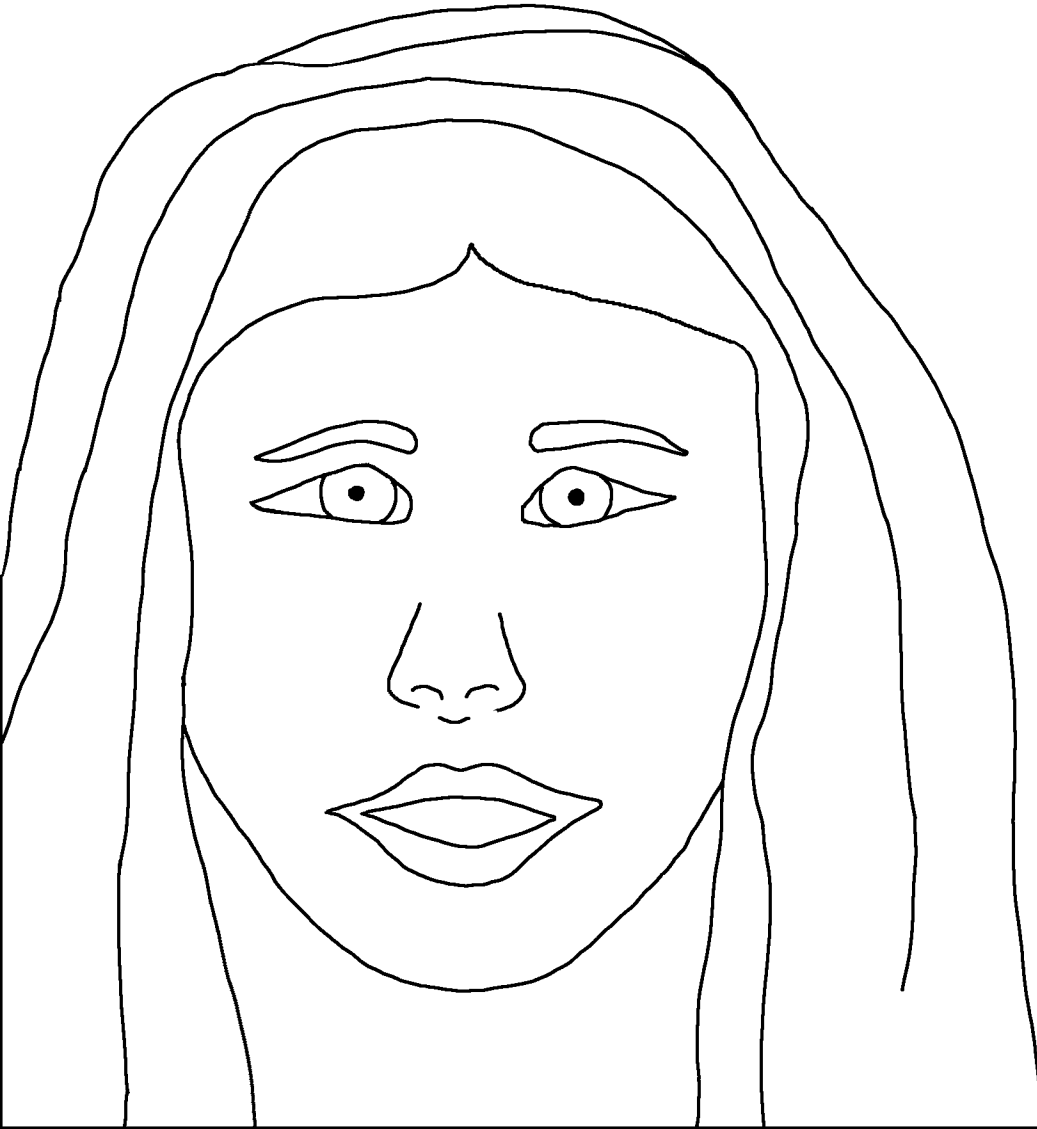


عیسی تنها بود، اما
طولی نکشید که یک
زن سامری که در
سوخار زندگی
می کرد به آنجا آمد
تا از چاه آب بکشد.

عیسی به او گفت:
"قدری آب به من بده."

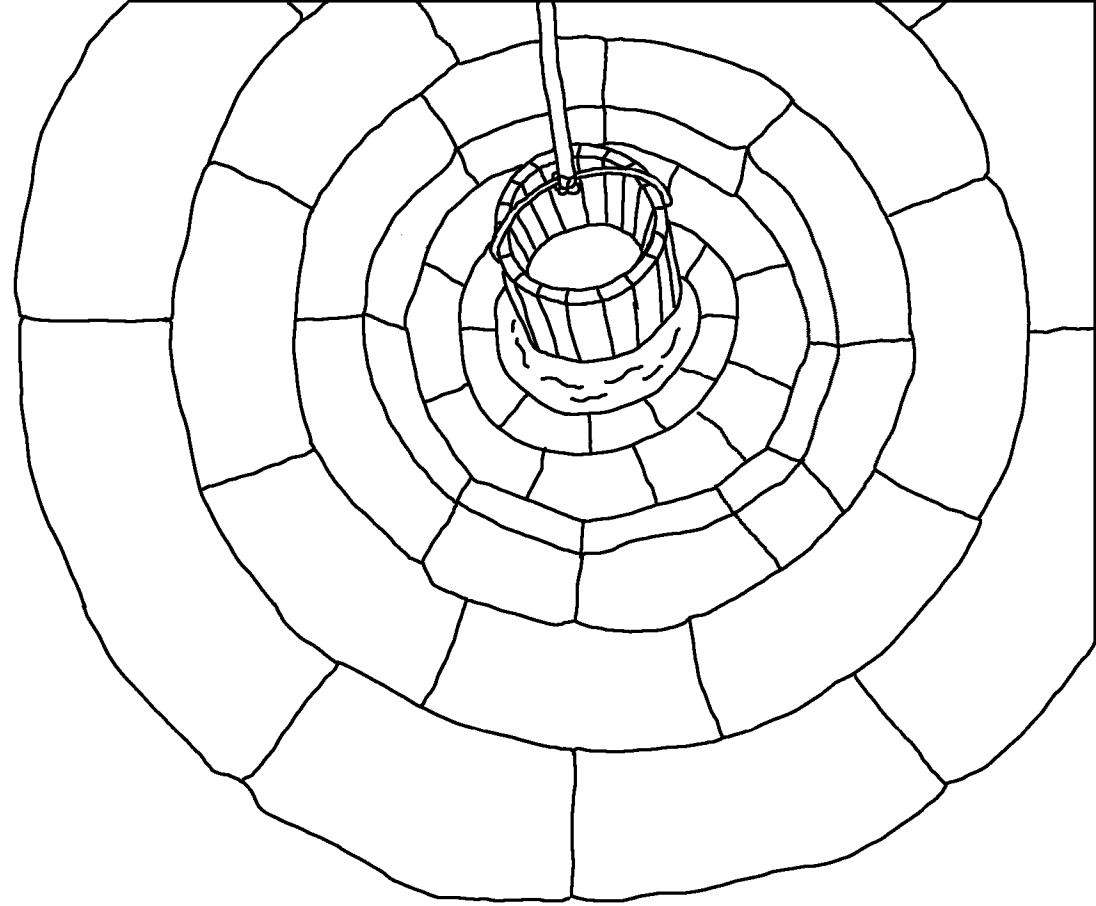


زن تعجب کرد و گفت:
"چطور تو که یک یهودی
هستی از من که یک زن
سامری ام درخواست آب
میکنی؟" در آن روزها
سامریان هیچ ارتباطی با
یهودیان نداشتند.



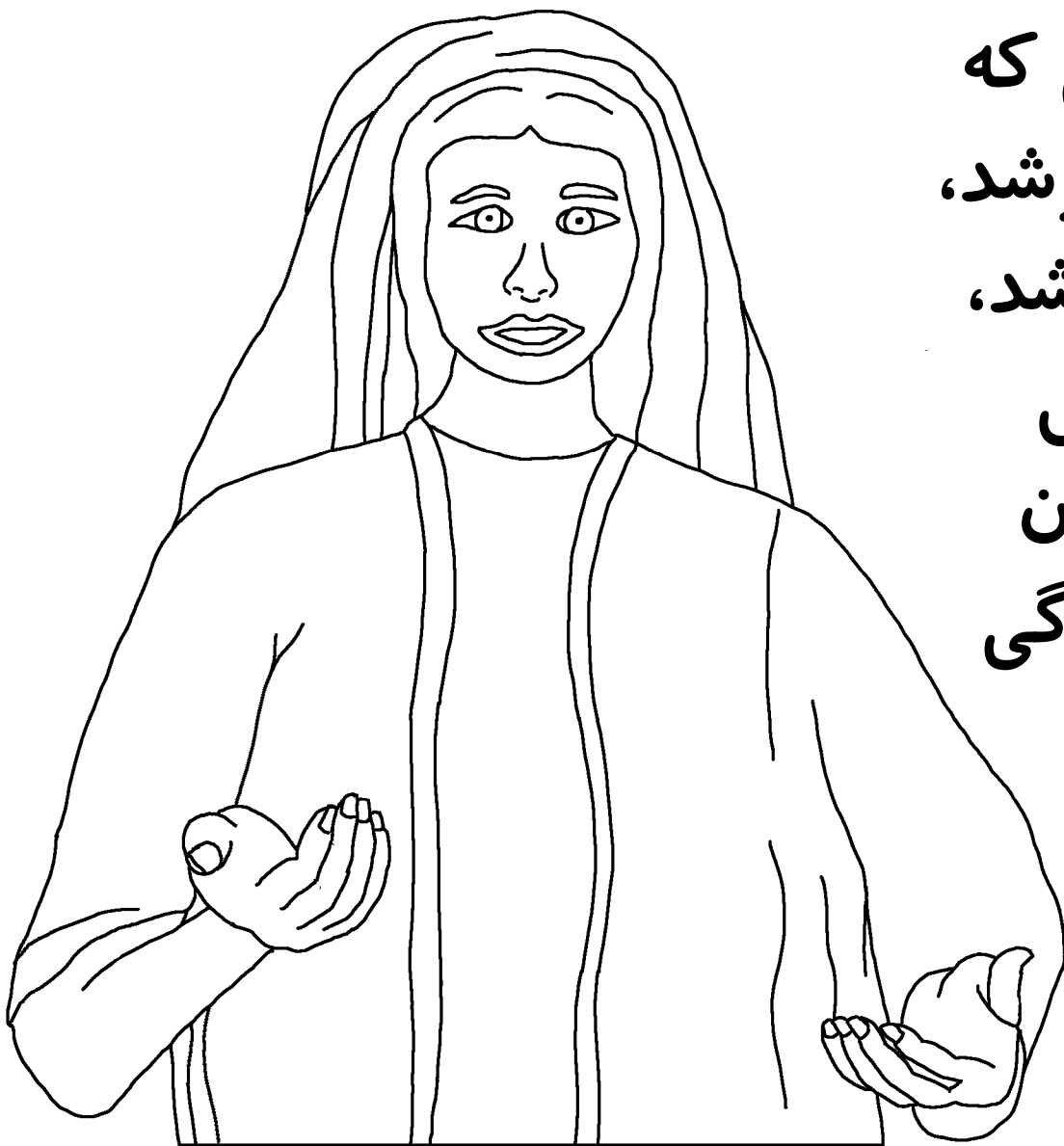
عیسی به او گفت: "اگر
می دانستی که چه کسی
از تو درخواست آب می
کند، حتماً از او خواهش
می کردی و او به تو آب
حیات عطا می کرد."





زن در جواب گفت: "سرورم
شما که طناب ندارید و این چاه عمیق است. پس این
آب حیات را از کجا می آورید؟ آیا شما از جد ما
یعقوب بزرگترید که این چاه را به ما داد؟"

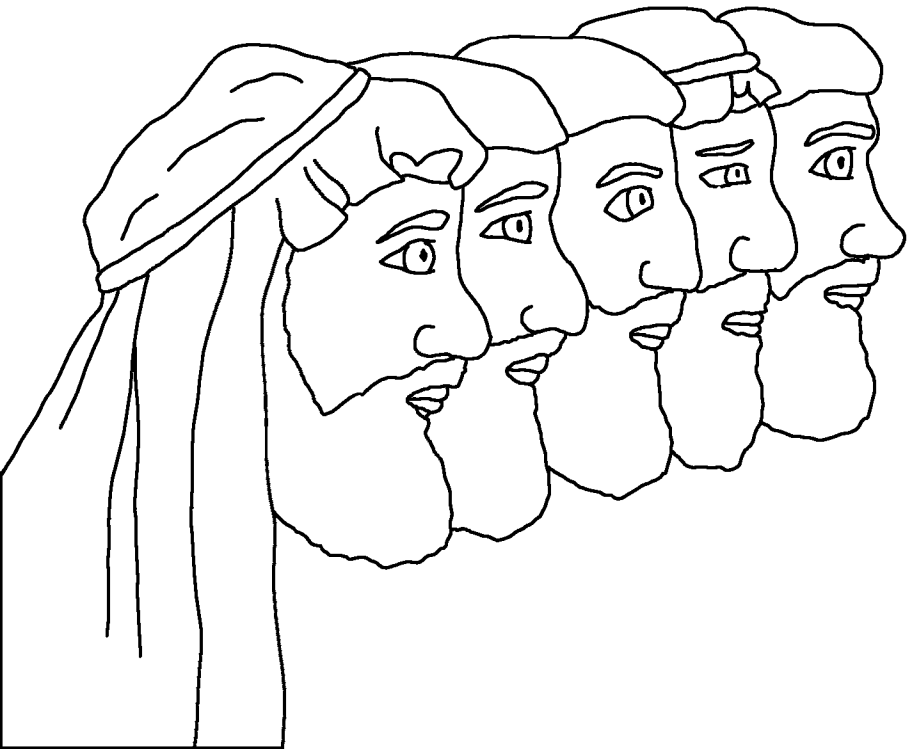




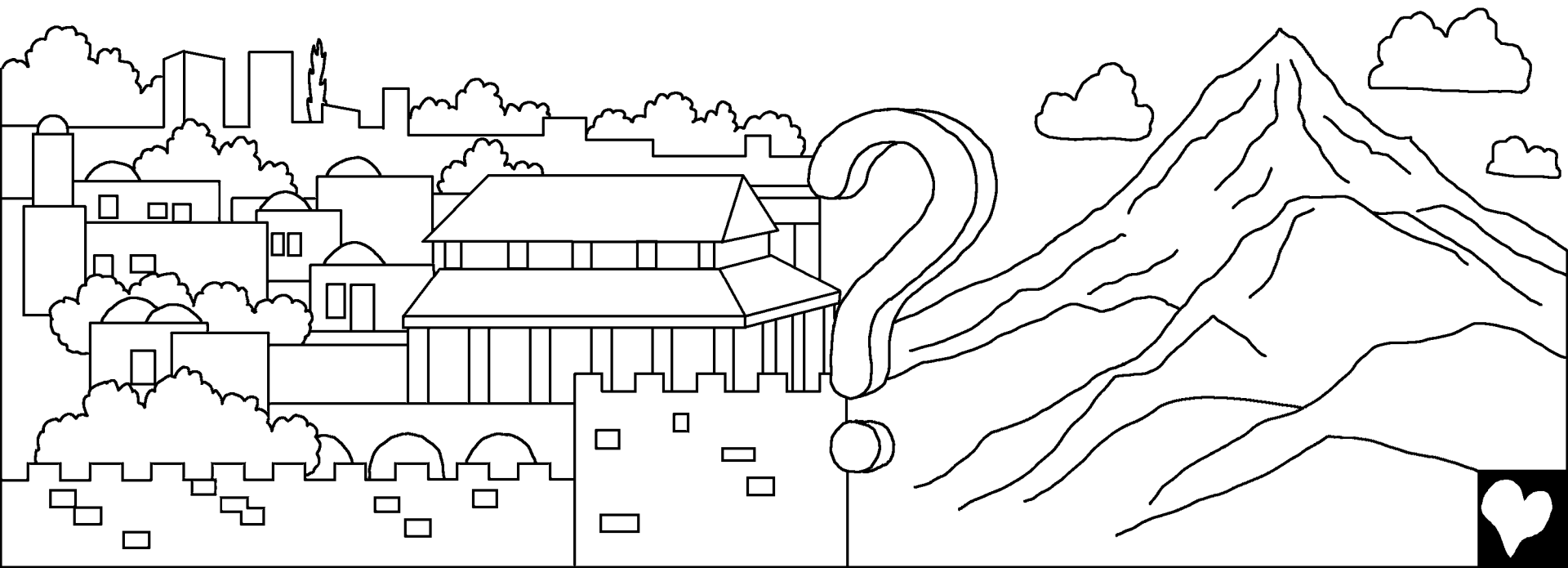
عیسی جواب داد: "مردم با نوشیدن این آب، باز هم تشنه می‌شوند، ولی کسی که از آبی که من می‌دهم بنوشد، هیچ وقت تشنه نخواهد شد، بلکه آن آب، در وجودش تبدیل به چشمه‌ای جوشان خواهد شد و او را به زندگی جاوید خواهد رسانید."



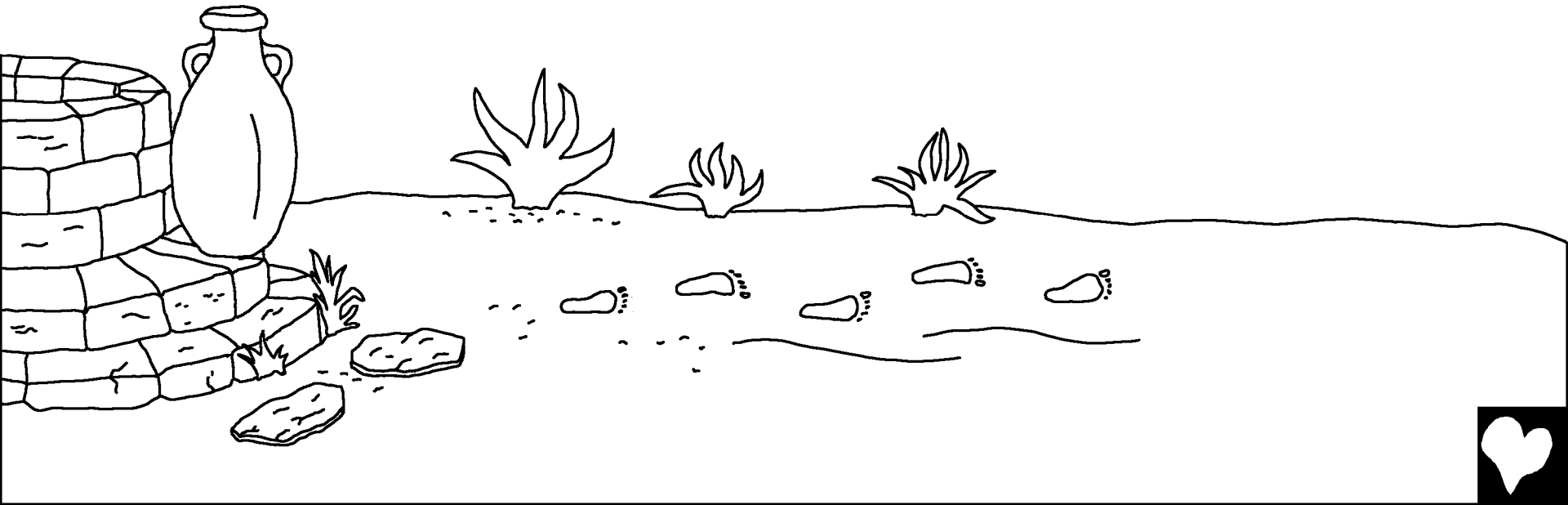
عیسی به او گفت: "برو و شوهرت را بیاور." اما زن پاسخ داد: "من همسری ندارم." عیسی به او گفت: "راست گفتی، تو پنج همسر داشتی و آن کسی که اکنون با او زندگی می‌کنی همسر تو نیست."



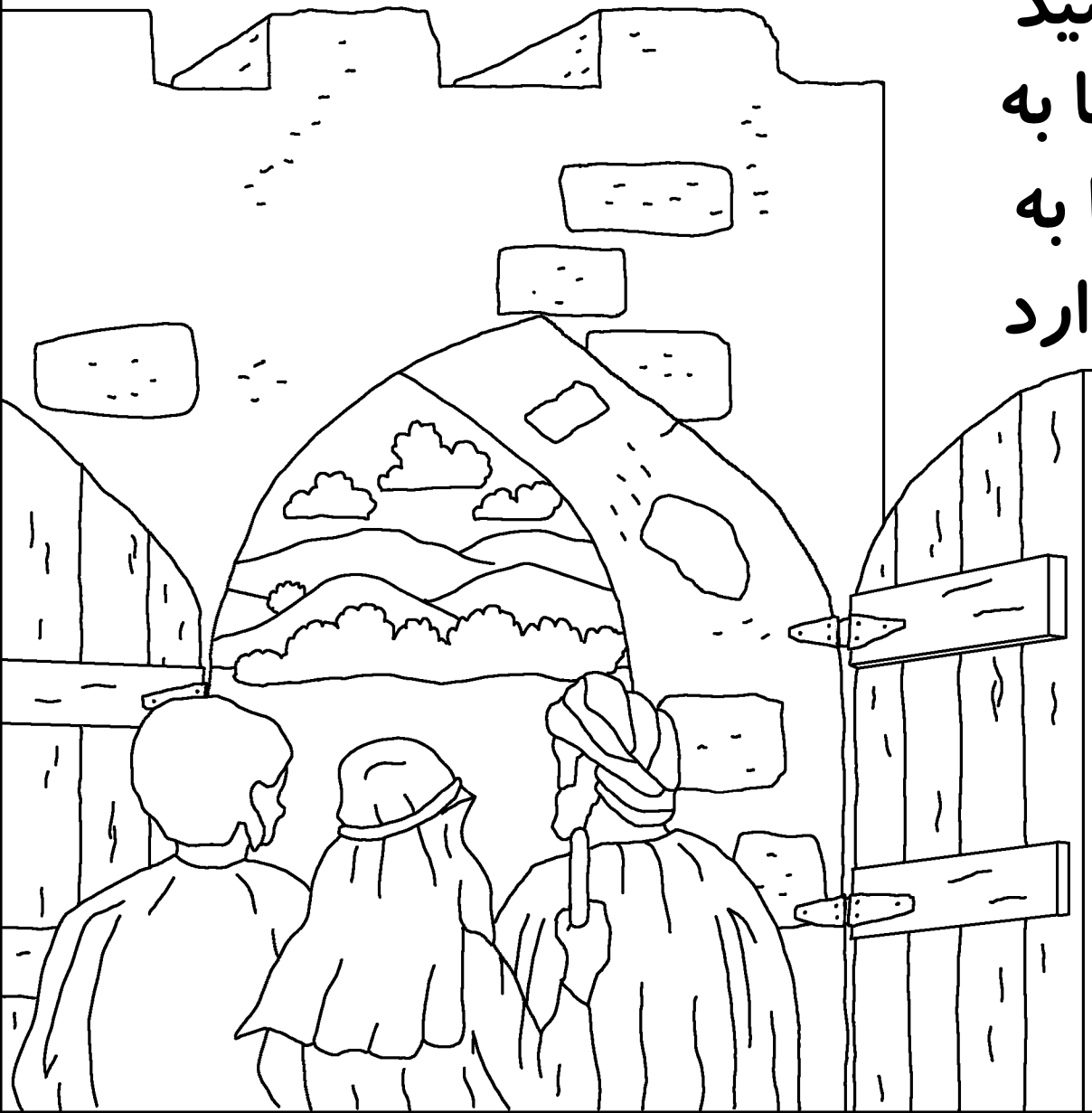
زن فهمید که عیسی پیامبر است و سعی کرد موضوع
گفتگو را عوض کند و پرسید محل پرستش خدا کجاست،
اورشلیم یا کوه مقدس سامریان؟ عیسی گفت: "عبادت
کنندگان واقعی پدر را با روح و حقیقت می پرستند."



زن به عیسی گفت: "می دانم مسیح به زودی می آید،
زمانی که آمد به ما همه چیز را خواهد گفت." عیسی به او
گفت: "من همان مسیح هستم." در همان زمان شاگردان
برگشتند. زن سطل آب خود را در کنار چاه گذاشت و به
شهر برگشت.



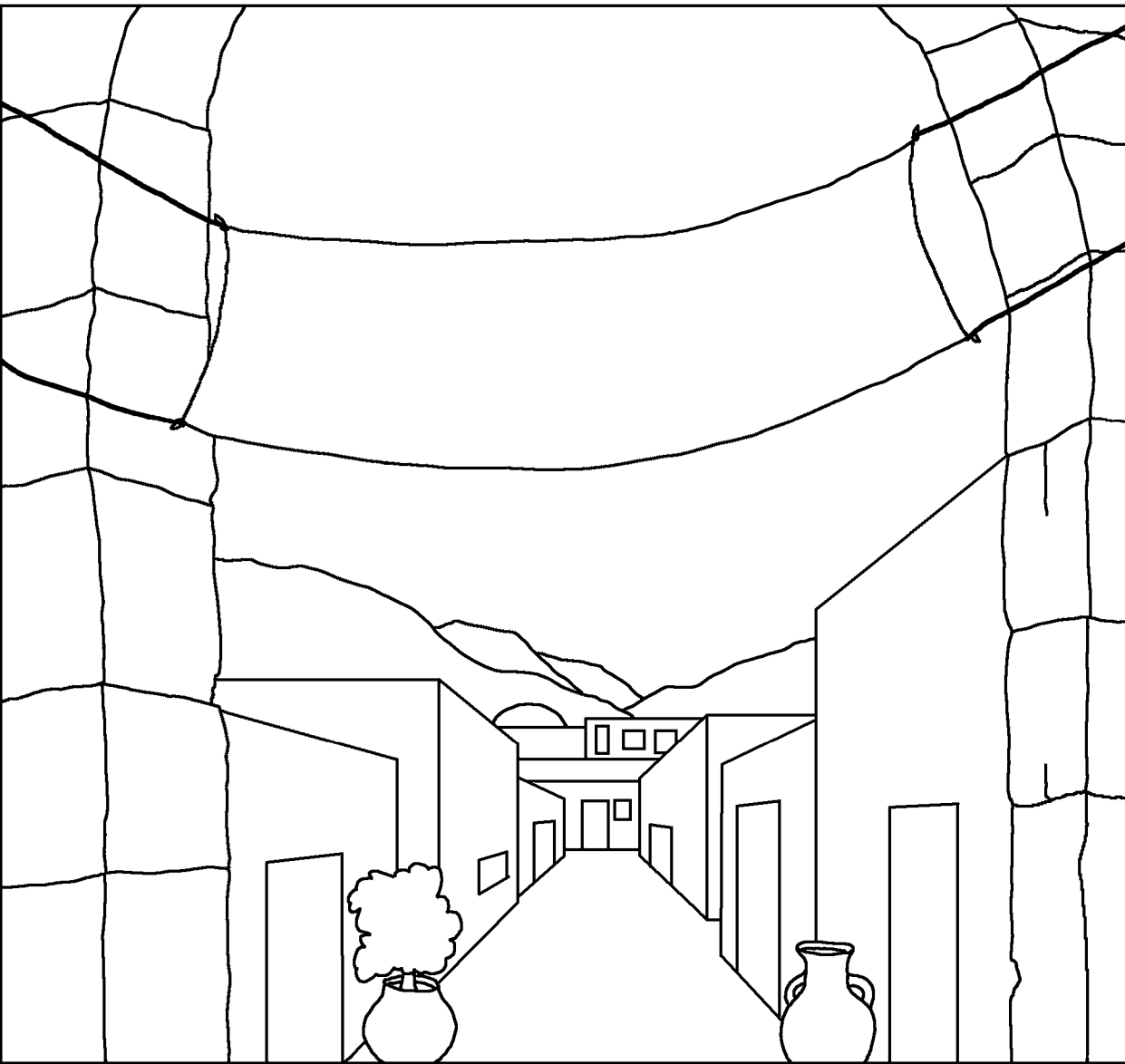
زن به مردان سوخار گفت:
"بیائید و مردی را ببینید
که تمام کارهایی که تا به
امروز انجام داده ام را به
من گفت، آیا امکان دارد
او مسیح باشد؟"
مردان شهر را ترک
کرده و به سمت
عیسی رفتند تا با
چشمان خود او
را ببینند.



در همین حال، شاگردان به عیسی گفتند که غذا بخورد.
اما عیسی گفت: "غذای من این است که اراده او را که مرا
فرستاده است، انجام دهم و کار خود را تمام کنم." کار
عیسی این بود تا مردم را به
سمت خدا بیاورد.



بسیاری از سامریان به خاطر کلام آن زن به او ایمان آوردند.
آنها از عیسی خواستند که در کنار آنها بماند و او دو روز در



سرزمین سامریان
ماند. مردم
بیشتری به خاطر
سخنان عیسی به او
ایمان آوردند. آنها
گفتند: "ما خودمان
شنیدیم و می
دانیم که او در واقع
مسیح، نجات دهنده
جهان است."



زن در کنار چاه

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس^۳

بر اساس

انجیل یوحنا باب ۴

"کشف کلام تو نور می‌بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



پایان



47



60



داستانهای کتاب مقدس با ما در بارهٔ خدایی صحبت می‌کنند که ما را آفرید و ارادهٔ او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانهٔ خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را بپامزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسیای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می‌کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

